



۲۰۱۹/۰۹/۱۶



س.ح. روغ

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟
گفتار سی و ششم

فرصت صلح بدست آمد!



لغو قرارداد با طالبان، و لغو مذاکرات دوحه؛ عزل جان بولتون؛ و جلب جناب داکتر خلیزاد به اجلاس علنی کانگرس امریکا؛ نگاه همه ناظران و تحلیلگران را معطوف ساخت به این که در کاخ سفید چی می گذرد؟ این که پرزیدنت ترامپ قرارداد و مذاکرات با طالبان را لغو کرد کدام اقدام بی سابقه نبود؛ پرزیدنت ترامپ مذاکرات با اون جونگ را هم، بهمین ترتیب، خاتمه داده بود؛ سوال این شد که پرزیدنت ترامپ برای بار دوم چرا چنین کرد؟

مطبوعات امریکا به جانب داخلی این جریانات در خود امریکا مصروف شده اند، که موضوع بحث ما نیست؛ موضوع بحث ما این است که این جریانات با انکشافات افغانستان چی رابطه ای داشته است؟ میدانیم که همه این انکشافات در تحت پوشش «خروج آبرومندانۀ عساکر امریکایی از افغانستان» به پیش برده می شدند؛ اینک این غوغا بالا شده که در «توافق» دوحه چه شرایط و تدابیری درج هستند که «آبرومندانۀ» باشند؟

شرایطی که طالبان در مذاکرات دوحه گذاشته بودند، کم و بیش از این قرار بودند: طالبان پیروز جنگ اعلان می شوند؛ طالبان تروریست نیستند، وطن دوست هستند؛ «امارت» طالبان در قرارداد درج می شود؛ بیرق افغانستان حذف میشود؛ قوای مسلح افغانستان منحل میشود؛ آتش بس ذکر نمی شود؛ انتخابات دایر نمی شود؛ امریکا ممانعت می کند که داکتر غنی بار دیگر به قدرت برسد؛ و مندرجات دیگر؛ جانب امریکا که بالای چنین شرایط طالبان صحه گذاشته، آیا از مدرک خروج آبرومندانۀ عساکر امریکایی بوده است؟

درگفتار سی و پنجم نوشتیم که شأن نزول چنین «توافق» کدام آبرومندی نبوده، بل عمارت کردن یک «امارت- وایسرای»، به مقصد غارت و ادامه غارت منابع هزاران ملیاردی افغانستان بوده است؛

آیا کدام اندیشه حساب شده، و بگوئیم جدی، در عقب این جریانات نشان داده شده می تواند؟ دولت امریکا خود را چگونه می فهمد؟

نسخه دولت ترامپ، ظاهراً این است که از ستراتیژی دوره بوش پسر باید جدا شود؛ در آن دوران ستراتیژی رامسفیلد - چبروفسکی عبارت از «نابود کردن ساختارهای دولتی» در سرتاسر خاورمیانه، و افغانستان بود؛ عجب است که همین ستراتیژی تحت نام «دولت ساختن» و «ملت ساختن» به ما تحویل داده می شد؛ ظاهراً گویا ترامپ در نظر دارد از این ستراتیژی برگشت کند، و بگفته تیری میسان، «گذار از منطق جنگی برای تسلط، به منطق دیگر، به منطق صلح آمیز، یعنی تسلط اقتصادی» را عملی بسازد؛

پس با این پلان، پرزیدنت ترامپ پذیرفته بوده با نمایندگان طالبان در کمپ دیوید ملاقات کند؛ پومپو گفت که «ترمپ می خواست شخصاً با طالبان مقابل شود؛ و حکومت تصمیم گرفت که ملاقات با آنان در کمپ دیوید قابل قبول است»؛ در این وخت مطبوعات افشا کردند که در بدل «توافق» دوحه، یک معامله شخصی هم در جریان بوده و طالبان معادن آهن حاجیگک و معادن لیتیوم هلمند را، که ارزش چندین میلیارد دلاری دارد، به جناب داکتر خلیزاد بخشش کرده بودند!

احتمال دارد که ترامپ از این معامله شخصی اطلاع نداشته، و وقتی مطبوعات افشا کردند، ترامپ فوری مصمم شد که هم قرارداد، و هم اصلاً مذاکرات، با طالبان را لغو کند؛

کانگرس امریکا هم که جناب داکتر خلیزاد را جلب کرده است، محتملاً پرسش در باره چنین معاملات را در نظر داشته است؛ این که احضار و جلب جناب داکتر خلیزاد به کانگرس؛ و بعد سوالات بسیار سنگینی که به آدرس شان راجع است چی عواقبی برای شخص جناب خلیزاد خواهد داشت، ما دقیق نمی دانیم؛ و کار ما هم نیست؛ مسأله این است که آیا هنوز در امریکا این اراده باقی است که در ماحول چنین سوالاتی حقیقتاً دقیق و جدی شود؟ آیا امریکا می تواند بخود برگردد؛ و یا امریکا به راهی روان است که جان گالتونگ گفته بود؟

هر کس هر چی بگوید، ما بیخی به یقین می گوئیم:

مطابق به کالندر جلندر سال ۲۰۲۰ فقط چند ماه بعد فرا می رسد!

•

اما از جانب ما افغانان دو سوال بسیار جدی به جای می ماند، که ما طی این گفتارها چند بار مطرح کردیم: یک سوال این که چی این جنگ، چی بوده است؟ این جنگ برای چی است؟ این جنگ، جنگ کی است؟ اینک با اطمینان بیشتر گفته میتوانیم که این جنگ، یک جنگ «ساختگی» است؛ در افغانستان یک بازی موش و پشک براه انداخته اند، تا غارت منابع طبیعی افغانستان را ببوشاند؛ این اطمینان بیشتر برای ما دست داده است، زیرا می بینیم که اینک تلاش شده بود که همان غارت معادن افغانستان تحت پوشش «بخشش» قدرت به طالبان ادامه بیاید؛

در طی این مدت همه میکانیزم هایی جابجا ساخته شده اند که مهار آنها بدست افغانان نبوده است و نیست؛ و این میکانیزم ها می باید از پایان یافتن این جنگ ممانعت می کرده اند؛ و این جنگ را به جنگ مدام مبدل می ساختند؛ پایان یافتن این جنگ به نفع کسی نبوده است! نه سرنوشت جنگ، و نه سرنوشت صلح در دستان ما نبوده است! و تا کنون هم نیست!

همانگونه که اینقلم بار نخست در کتاب سندروم افغانستان نوشته بودم، این جنگ هر چی است، جنگ ما افغانان نیست!

سوال دوم این که خی طالبان کی هستند؟

طالبان کنونی، یک لشکر ملانصرالدین هستند! این گپ صالح بسیار دقیق است که یگان کس تلاش داشت که بیرق ملا نصرالدین را سر ما بالا کند! طالبان کنونی یک لشکر «پُف شده» هستند! طالبان کنونی، هرگاه پف شان کشیده شود، حتی یک صدم توان نظامی را هم ندارند که به نمایش گذاشته می شود؛ توان سیاسی و اقبال مردمی که از آغاز نداشته اند؛ کمترین تردیدی نیست که اکمالات و سوقیات طالبان از طریق، و به کمک، دست های پنهان اجرا می شود؛

عمران خان، در پاسخ به کتاب جنرال منیس، گفت که در دوران جنگ ضد شوروی دیگران به ما پیسه دادند و ما این نیروها را آماده ساختیم؛ نام شان را ما گذاشتیم «جهادی!»؛ وقتی که امریکایی ها آمدند، این جهادی ها، گویا، به تروریست ها مبدل شدند؛ همین گپ را با دقت بیشتر، و با ذکر همه منابع، بینظیر بهوتو درباره طالبان گفته بود؛

عمران خان میگوید که پاکستان بسیار اشتباه کرده است که درجنگ ضد شوروی با امریکا همکاری کرده است؛ و ادعا کرده که گویا پاکستان درجنگ افغانستان ۱۰۰ میلیارد دالر «نقص» کرده است! عمران خان فقط یک کمکی زیاففف گفته است؛ چون همه منابع می گویند که در طی ۴۰ سال گذشته پاکستان تمام قروض خارجی خود را از مدرک «جهاد افغانستان» پرداخت کرده است؛ از مدرک جهاد افغانستان، و به قیمت ویران سازی و سوختاندن افغانستان بوده است که پاکستان صاحب بم اتمی شده است؛ اگر پاکستان در جهان به عنوان کدام قوت مطرح است، از برکت امکاناتی مطرح است که «جهاد افغانستان» بروی پاکستان گشوده است! و اگر امروز پاکستان افلاس کرده است، باز هم به دلیل خشکیدن سرچشمه های «جهاد» افغانستان است!

پریزیدنت ترامپ هدایت داد که طیارات جنگی به افغانستان منتقل شوند! و گفت:

« طی چهار روز گذشته ما به دشمنان خود شدید تر از هر زمان دیگری در ده سال گذشته حمله کرده ایم!! در چهار روز گذشته به دشمنان مان سخت تر از گذشته ضربه زدیم و این موضوع ادامه پیدا می کند!!»
ارقام ذکر شد که گویا طی این حملات هزاران طالب نابود شدند!

در اینجا ما نمی پرسیم که پریزیدنت ترامپ چگونه همان کسانی را که قرار بود یک روز پیش بعنوان مهمانان محترم رئیس جمهور امریکا در کمپ دیوید میزبانی کند، یک روز بعدتر «دشمنان مان» می نامد؛ ایتو سوال ها از طرف ما چتی گویی واری است!

اما می پرسیم که پریزیدنت ترامپ از کجا مطمئن است که کسانی که طی این اقدامات امریکا کشته شده اند، طالبان بوده اند؟ یک رقم بسیار کوچک و بسیار بی اهمیت ذکر می کنیم: بررسی های جدی می گویند که یک چارم همه کودکانی که در جنگ کشته شده اند، کودکان افغان بوده اند!

و بعد می پرسیم که اگر همین تلفات یک یا دو هزار نفر طالبان در طی ده سال گذشته بی مانند بوده اند، پس در طی ده سال گذشته امریکاییان علیه کی می جنگیده اند؟ جنرال جبار قهرمان گفته بود که کسی علیه طالبان نمی جنگد! و فقط و تنها جنرال رازق ۲۰ بار طالبان را شکست داده بود!

احتمال می دهیم که سه جنرال ما، قهرمان و رازق و مؤمن، در معامله با طالبان کشته شدند!
اما این که همه روزه ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر در افغانستان کشته می شوند، گلبدین حکمتیار هم چنین گفت، پس این انسان
ها کی بوده اند، که بمانند توت تکانده می شوند؟

به حوادث میدان و وردک نظر می کنیم: حاجی فرید، سابق عضو مجلس نمایندگان افغانستان، اظهارات بسیار
تعجب آوری درباره حوادث میدان و وردک داشت؛ اینک در همین میدان دو هفته پیش یک جوان بسیار برومند
بنام عبدالصمد امیری را سر بریدند؛ این جوان نه یک آدم نظامی بود، نه یک آدم سیاسی بود! این جوان یک دیده
بان حقوق بشر بود!

کی این جوان را سر برید؟؟

چرا آخر؟؟

{اظهارات حاجی فرید از ۱۳ اکتوبر ۲۰۱۳ را در صفحه فیسبوک من بشنوید}

اگر گل جنجال سر معادن افغانستان بوده است؛ خو جان بیاید و قرارداد کنید!

مطابق به قرارداد معادن را استخراج کنید!

اونه معادن طلای بدخشان را خو دل بیغم از خود ساختید!

خو هموتو دیگر معادن را هم بیاید و قرارداد کنید!

مردم ما چرا باید کشته شوند؟؟ وطن ما چرا باید ویران شود؟؟

همین دولت فعلی افغانستان، که قرار بود طالبان بجایش نشانیده شود، همین دولت «دوست امریکا» است! بیاید
و با همین دولت قرار داد کنید!

اگر جنجال سر معادن نیست؛ خی به داد ما برسید و بما بگوئید که گپ سر چی است؟

مردم ما چرا باید کشته شوند؟؟

وطن ما چرا باید ویران شود؟؟

•

گلبدین حکمتیار غلط گفت که توافق که لغو شد، خون در رگ های تیم دولت ساز دمید!
نی! برعکسش درست است: توافق که لغو شد، در رگهای چند تا حزب و تحریک و حرکت، خون بیحرکت شد!
بدون هیچگونه مبالغه و با وضاحت باید بگوئیم که لغو توافق با طالبان، بزرگترین پیروزی سیاسی غنی بوده
است! بدون هیچگونه مبالغه و با وضاحت باید بگوئیم که فقط همین پیروزی کافی است که نام غنی وارد تاریخ شود!

•

لغو توافق، و لغو اصرار طالبان برای لغو انتخابات، اینک یک آرامش و یک اطمینان بوجود آورده است! یک
فضای نو سیاسی بوجود آورده است!

در این فضای نو سیاسی انتخابات در کانون توجه همه قرار گرفته است؛

یک عده که از انتخابات پس مانده بودند، اینک دست پیشی کرده اند، که ما خو پسمانده نیستیم!

یگان تا هم که می بینند زور وارد شدن در انتخابات را ندارند، گفته اند که ما خو انتخابات را تحریم می کنیم!

اینان همین قدر نمی دانند که تحریم انتخابات، خودش یک شکل شرکت در انتخابات است!

یگان تا وارخطا هستند که حالی ما چی بگویم؟

کُل دنیا از ترس پُت شد، وختی که شنیده شد که تولى مشر اسماعیل سر داکتر غنى قصورى خوانده است!

پشک قدش به گوشت نمی رسید، گفت گوشت گنده شده !!

امریکایی ها هم به روند انتخابات پیوستند؛ امریکا پذیرفت که ۲۹ ملیون دالر به صندوق انتخابات کمک می کند؛

ناتو هم اعلان کرد که تضمین امنیت انتخابات مهمترین اولویت کاری کنونی ناتو در افغانستان است؛

نیرو های مسلح افغانستان پلان تدابیری بزرگی برای تأمین امنیت انتخابات رویدست گرفته اند!

فقط همین تعهد نیرو های مسلح افغانستان به انتخابات، ثابت می سازد که اردوی ما یک اردوی معاش بگيران

نیست!

ارتش های مزدور، «ارتش های سری» هستند!

جناب حکمتیار این گونه ارتش ها را از نزدیک می شناسد؛ جناب حکمتیار در میان طالبان شناخته های بسیاری

دارد که می توانند به نمونه برای جناب حکمتیار نشانی بدهند که ارتش مزدور و ارتش سری چی رقم یک شی

می باشد!

•

مردم آگاهی یافته اند که انتخابات نه تنها یگانه راه برای تأسیس و حفظ نظام جمهوری است؛ بل مردم این آگاهی

را هم یافته اند که انتخابات یگانه راهی است که فرصت صلح را بدست می دهد؛

چرا؟

چون از طریق انتخابات یک دولت حقوقی تأسیس می شود؛ و این دولت حقوقی صلاحیت می یابد به نمایندگی

از مردم افغانستان وارد مذاکرات صلح شود!

یک دولت که با رأی آزاد مردم انتخاب شده باشد، مطمئن ترین نهاد مبارزه برای صلح است!

یک دولت که با رأی مردم انتخاب شده باشد یک طرف تعهدات صلح است!

یک دولت که با رأی مردم انتخاب شده باشد، صلح را بحیث امر مردم عنوان می کند، و مشروعیت تعهدات

صلح را به فیصله نهایی مردم ضمانت می تواند؛

یک صلح که با اتکا بریک دولت منتخب تأسیس شود، به تقویت قانون، و به تقویت شهروندی، و به تقویت جامعه

مدنی می انجامد!

راه صلح از ایستگاه انتخابات می گذرد!

بدون انتخابات، هر ادعا برای صلح یک بازی است!

بدون انتخابات، هر ادعا برای صلح یک فریب است!

بدون انتخابات، هر ادعا برای صلح یک فریب بزرگ است!

مردم افغانستان! روحانیون! زنان! جوانان! روشنفکران! اهل کسبه! ساکنان ده و شهر!

با همه شجاعت، و با همه قربانی، به انتخابات بشتابید!

پس از ۴۰ سال تجاوز، زمان اینک فرا رسیده است که یک گام را با اختیار خود بگذاریم!

مردم افغانستان ثابت می سازند که انتخابات را می فهمند!
مردم افغانستان ثابت می سازند که «ایتو گپ های عجیب و غریب مثل دموکراسی» را می فهمند!
مردم افغانستان ثابت می سازند که از حق خود برای زندگی دفاع می کنند!
غنی گفت این مردم و این وطن برای یک هزار سال دیگر هم پای برجای هستند!
ما می گوئیم مردم ما جاودانه اند!
جاوید باد نام افغان!
جاوید باد «امر افغان!»

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!



به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟ (گفتار ۶۳)
Rogh_h_۴۱_ba_aozaaye_watan_tshiguna_bengarem_۳۶.pdf